



دشواری حوزویان در تداوم انقلابی‌گری



تصرف در معنای انقلاب و یکسان‌انگاری مراحل انقلاب

اگرچه ایده انقلاب، انقلابی بودن و انقلابی ماندن بعد از استقرار جمهوری اسلامی ایران در میان مجامع علمی و غیرعلمی نیز مطرح گشت؛ اما در میانه دهه چهارم جمهوری اسلامی ایران، یکی از مسائل جامعه به ویژه جامعه حوزویان قلمداد شد. آنان از سویی در تلاش بودند اهداف انقلاب اسلامی را در قالب خواسته‌های آرمانی و چارچوب اندیشگی خود را سامان داده و از آن گسسته نبینند و از سوی دیگر، تحقق چنین اهدافی نیازمند تداوم



رضا عیسی نیا
استادیار پژوهشگاه
علوم و فرهنگ اسلامی

روحیه انقلابی در بستر نظام سیاسی برخاسته از انقلاب بوده که خلل در آن، زمینه تبدیل شدن به مسئله را فراهم ساخت. از این رو سؤال اصلی این است که انقلابی بودن برای حوزویان در دهه چهارم جمهوری اسلامی ایران چه الزاماتی را به همراه خواهد داشت؟ فرضیه مورد بررسی عبارت است از متوقف نشدن در تعریف خود از معناداری

مفهوم انقلاب می باشد؛ یعنی علاوه بر اینکه توجه به تعریف متخذ از جانب منی فاعلی و کنش‌گری سیاسی دارد به تعریفی که مبتنی بر سنت تاریخی حوزویان است نیز توجه نماید. بدین ترتیب روحانیون انقلابی پایان زمانی برای انقلاب قائل نیستند؛ و هم‌زیستی این دو - حوزه و انقلاب - از جمله ملزومات انقلابی بودن برای حوزویان در دهه چهارم جمهوری اسلامی ایران می باشد. نویسنده مقاله برای مواجهه صحیح با موضوع یاد شده، کوشیده است در قالب چارچوب نظری نشانه‌شناسی، به تشریح و اثبات این موضوع بپردازد.

معناداری مفهوم روحانی انقلابی، روحانی غیرانقلابی و روحانی ضدانقلاب و چگونگی تداوم این معناداری، آن هم بدون درگیری با نظام سیاسی در مرحله ره‌گیری یا استحکام؛ از مسائلی است که این مقاله قصد دارد آن را بررسی نماید. این‌ها مفاهیمی هم‌زاد

انقلاب اسلامی ایران هستند. از آن جایی که «انقلاب اسلامی ایران» میزان اعتبارسنجی وزن اجتماعی سیاسی روحانیت در جامعه ایرانی و شاقول تقسیم آن شد، آن وقت بایستی توجه داشته باشیم که تعمیم این مفهوم تا کجاست؟ آیا انقلابی بودن و روحانی

انقلابی، به تعبیر «یاروسلاو کریچی»^۱ در تمامی مراحل انقلاب سرایت می‌کند یا در نخستین مرحله‌اش که «آغاز انقلاب»^۲ نامیده می‌شود،^۳ باقی می‌ماند؟ مرحله‌ای که دوره‌ای طولانی از حرکت‌های نوآورانه و اصلاح‌گرایانه برای ایجاد تحول عمیق در درون بخشی از نخبگان فرهنگی جامعه است. آیا مفهوم انقلابی یا روحانی انقلابی تا همین جا ادامه می‌یابد؟ یا در مرحله «انقباض»^۴ که منتهی به «انفجار»^۵ می‌شود و رژیم را سرنگون می‌سازد، پایان می‌یابد و یا این‌که در مرحله «ره‌گیری»^۶ و مرحله «استحکام‌بخشی»^۷ نیز می‌توان این مفهوم انقلابی و نظر «کریچی» مراحل انقلاب عبارت انداز:

۱. آغاز انقلاب؛
۲. انقباض یا انفجار؛
۳. مرحله ره‌گیری؛

آیا انقلابی بودن و روحانی انقلابی، به تعبیر «یاروسلاو کریچی»^۱ در تمامی مراحل انقلاب سرایت می‌کند یا در نخستین مرحله‌اش که «آغاز انقلاب»^۲ نامیده می‌شود،^۳ باقی می‌ماند؟ مرحله‌ای که دوره‌ای طولانی از حرکت‌های نوآورانه و اصلاح‌گرایانه برای ایجاد تحول عمیق در درون بخشی از نخبگان فرهنگی جامعه است. آیا مفهوم انقلابی یا روحانی انقلابی تا همین جا ادامه می‌یابد؟ یا در مرحله «انقباض»^۴ که منتهی به «انفجار»^۵ می‌شود و رژیم را سرنگون می‌سازد، پایان می‌یابد و یا این‌که در مرحله «ره‌گیری»^۶ و مرحله «استحکام‌بخشی»^۷ نیز می‌توان این مفهوم انقلابی و انقلابی‌گری را سرایت داد؟

۴. استحکام بخشی.

و به تعبیر کریچی مرحله «ره‌گیری» یعنی مرحله‌ای که یکی از گروه‌های انقلابی رقیب، قدرت را به دست می‌آورد و بعد از این مرحله است که انقلابیون وارد مرحله چهارم یعنی مرحله استحکام بخشی یا همان استقرار نظام سیاسی جدید و تأسیس قدرت سیاسی جدید می‌شوند؟

حال پرسش این است، آیا در مراحل سوم و چهارم می‌توان شاهد تداوم انقلابی‌گری روحانیت باشیم؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز مراحل پنجگانه برای انقلاب اسلامی مطرح کردند که حیات انقلاب اسلامی متوقف بر عبور از همه این مراحل می‌داند، که عبارت‌اند از:

۱. تشکیل انقلاب اسلامی؛

۲. نظام سیاسی؛

۳. دولت اسلامی؛

۴. جامعه اسلامی؛

۵. تمدن اسلامی.

در ادامه پرسش پیشین، پرسش دیگری رخ‌نماست؛ این که چه مشکلاتی انقلابی بودن یا انقلابی ماندن حوزویان (روحانیون) را تهدید می‌کند؟ آیا عدم اجماع روی تعریف مفهوم انقلاب و انقلابی بودن و ارائه شاخص‌ها و ویژگی‌های آن می‌باشد؟ و آیا مشکل در تعمیم و سرایت دادن این مفهوم در مراحل بعد از استقرار نظام سیاسی است؟

بنابراین می‌بایست از یک سو

تصرف مفهوم انقلاب و امکان تعمیم و سرایت آن به همه مراحل انقلاب - چه مراحل چهارگانه کریچی و چه مراحل پنجگانه در تعبیر بومی رهبری - را بررسی و از سوی دیگر، برای خروج از مشکلات انقلابی ماندن راه حلی ارائه نمود.

تصرف در معناداری مفهوم انقلاب

این‌که مفاهیم، همانند افراد دارای تاریخ هستند و مانند افراد در مقابل تاخت و تاز ویران‌گری، تاب مقاومت دارند یا نه، سؤالی است که درباره مفهوم انقلاب نیز جاری است. از این رو لازم است بدانیم که آیا روحانیت مفهوم انقلاب را سنگواره‌ای معنا می‌کند یا تاریخی؟ اگر واژه مورد استفاده روحانیت، برای خود دارای معناست، پس چرا از بیان منظور خود عاجز می‌ماند و به عبارت دیگر چرا و چگونه واژه انقلاب از القای

معنای خود درمی‌ماند؟^۸

مواجهه با مفهوم انقلابی و انقلابی‌گری در دهه چهارم جمهوری اسلامی ایران، نیازمند فرایند شناخت معناداری مفهوم انقلاب و مراحل انقلاب و انقلابی‌گری و غیریت‌های آن‌ها می‌باشد با این پیش فرض‌ها، چگونه انقلابی بودن مسئله حوزه‌های علمیه (روحانیت) در دهه چهارم انقلاب شد؟ آیا انقلابی بودن در صدد طرد تفکر دیپلمات در عرصه سیاسی بود یا در صدد نفی و طرد تفکری که در تلاش است حوزه‌های علمیه را به دوران قبل از انقلاب

آیا روحانیت مفهوم انقلاب را سنگواره‌ای معنا می‌کند یا تاریخی؟ اگر واژه مورد استفاده روحانیت، برای خود دارای معناست، پس چرا از بیان منظور خود عاجز می‌ماند و به عبارت دیگر چرا و چگونه واژه انقلاب از القای معنای خود درمی‌ماند؟^۸ مواجهه با مفهوم انقلابی و انقلابی‌گری در دهه چهارم جمهوری اسلامی ایران، نیازمند فرایند شناخت معناداری مفهوم انقلاب و مراحل انقلاب و انقلابی‌گری و غیریت‌های آن‌ها می‌باشد

با مختصه جدایی دین از سیاست بکشانند. اما سؤالی که به تبع سؤال تاریخی بودن یا سنگ‌واره‌ای بودن واژه انقلاب و انقلابی ایجاد می‌شود، این‌که آیا کلمه‌ای مانند کلمه انقلاب، یک قسم معنا دارد یا ممکن است دو یا چند قسم معنا داشته باشد؟ کلمه انقلاب و انقلابی، ممکن است یکی از سه قسم معانی زیر را داشته باشد:

۱. معنای لفظی: یعنی حالی به حالی شدن، دگرگون

●
معنای لفظی: یعنی حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تغییر کامل و مشخص در چیزی، یک چرخش دَوْرانی، دوره‌ای از تغییرات دورانی که بازگشت به نقطه اول دارد، یک دور افلاک و ستارگان که در یک دایره منحنی مشخصی بازگشت به نقطه مرکزی دارد. این واژه در علوم طبیعی به واسطه اثر کپرنیک اهمیتی به‌سزا یافت.

●
شدن، برگشتن، تغییر کامل و مشخص در چیزی، یک چرخش دَوْرانی، دوره‌ای از تغییرات دورانی که بازگشت به نقطه اول دارد، یک دور افلاک و ستارگان که در یک دایره منحنی مشخصی بازگشت به نقطه مرکزی دارد. این واژه در علوم طبیعی به واسطه اثر کپرنیک اهمیتی به‌سزا یافت. این واژه در کاربرد علمی، معنای دقیق لاتینی خود را حفظ کرده است. مدلول حرکتی «مکرر» و «درونی» است که ریشه آن هم منشأ نجومی داشته و هم به استعاره در قلمرو سیاست به کار رفته است. برای نخستین بار به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی^{۱۰} در سده هفدهم به کار رفت و این مضمون استعاری یا مجازی بیش از گذشته به مدلول اصلی نزدیک شد؛ یعنی گردش به جای اول و بازگشت به نظمی که از پیش تعیین شده است. با این‌که این واژه در طول سال‌ها به معنای متفاوتی به کار رفت؛ اما از سال ۱۶۰۰ م، این اصطلاح به واژگونی تمام‌عیار حکومت در هر

کشور و یا دولت و جایگزینی حاکم یا دولت جدید از طریق خشونت، اطلاق شده است.^{۱۱}

۲. معنای عاطفی: ^{۱۲} واژه‌ها ممکن هستند در جوامع مختلف دارای معانی عاطفی مختلفی باشد؛ مثلاً واژه «انقلاب» را زمانی که ارسطو به کار می‌برد، با زمانی که ما به کار می‌بریم متفاوت است؛ چون عنوانی را که ارسطو برای انقلاب به کار می‌برد «stasis» است که می‌توان آن را فتنه‌انگیزی

ترجمه کرد که ارسطو آن را به سه معنا به کار می‌برد:

الف) دگرگونی غیرقانونی و خشونت‌آمیز در گروه حاکمه؛

ب) تغییر در قانون اساسی دولت؛

ج) تغییر در شکل حکومت یا رژیم.^{۱۳}

یا زمانی که ما این مفهوم را به کار می‌بریم نیز این مفهوم در یک معنا نمی‌گنجد؛ چون مفهوم انقلاب و انقلابی در دهه ۱۳۵۰ م، دارای بار معنایی مثبت و خوب است؛ ولی در دهه ۱۳۹۰ م، دارای معنای تأمل برانگیزی می‌شود؛ چون در همین زمان وقتی که آیه‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، در فضایی که برخی از افراد در ارتباط با نوع روابطشان با کشورهای دیگر در سایه رفتار دیپلماتیک پیش می‌روند، وی به نفی و طرد چنین رفتاری پرداخته و با موضع قاطعانه‌ای خود را انقلابی می‌نامد؛ ولی همین زمان واژه انقلابی در اذهان برخی

دیگراز حوزویان و در برخی از مجامع سیاسی در ایران با مفهوم منفی و بد به کار می‌رود؛ چون اینان انقلاب و انقلابی را با شاخصه‌ای چون خشونت و پرخاشگری می‌شناسند که معتقدند: امروزه (یعنی دوران استحکام دولت اسلامی) دیگر فضای زندگی حوزویان نمی‌تواند با تداوم انقلابی‌گری همراه باشد.^{۱۴}

۳. معنای سیاقی (معنای بافتی):^{۱۵} مثلاً افرادی که در صحنه تظاهرات و کارزار هستند یا در مرحله آغاز و یا انقباض و انفجار انقلاب هستند، وقتی می‌گویند

انقلابی با این واژه انقلابی، تخریب و پرخاشگری را می‌فهمند، ولی افرادی که در مرحله رهگیری یا مرحله دولت‌سازی هستند، وقتی می‌گویند انقلاب یا انقلابی، از انقلابی بودن برخورد منطقی، انضباط، بصیر، بینا، معتدل و عدالت‌ورزی را می‌فهمند.

در تعریف و تبیین مفهوم انقلاب، باید یادآور شد که واژه انقلاب،^{۱۶} اگرچه دارای تاریخی بسیار دیرپا و پیشینه طولانی است؛ اما باید دید که این مفهوم در کدام زبان سیاسی و از دید چه کسانی استعمال می‌شود، در این جا دو دیدگاه را بررسی می‌کنیم:

اول: سنگ‌واره یا روایت‌گری از معنای پذیرفته شده انقلاب، انقلابی و انقلابی‌گری
آن‌هایی که واژه انقلابی را سنگ‌واره می‌بینند،

معنای سیاقی (معنای بافتی):
مثلاً افرادی که در صحنه تظاهرات و کارزار هستند یا در مرحله آغاز و یا انقباض و انفجار انقلاب هستند، وقتی می‌گویند انقلابی با این واژه انقلابی، تخریب و پرخاشگری را می‌فهمند، ولی افرادی که در مرحله رهگیری یا مرحله دولت‌سازی هستند، وقتی می‌گویند انقلاب یا انقلابی، از انقلابی بودن برخورد منطقی، انضباط، بصیر، بینا، معتدل و عدالت‌ورزی را می‌فهمند.

تصرف در معنای انقلاب و انقلابی را اجازه نمی‌دهند. آنان این نگرانی را دارند که متصرفان مفهوم انقلابی در پی آنند که حوزه‌های علمیه را به تصرف خودشان در آورند. آنان با ملاحظه این نگرانی، شاخص‌هایی برای انقلابی‌گری برمی‌شمارند که مختص هیجانات انقلاب است و تنها در مراحل اولیه انقلاب دیده می‌شود و نباید در مراحل بعد استمرار یابد. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از:

۱. پرخاشگری؛
۲. برجسب‌زدن به مخالفان؛
۳. تفکر تند و ضدعقلانی (تندروی داشتن)؛

۴. آرمان‌گرایی؛
۵. کاری به مصلحت نداشتن؛
۶. فکر خود را حقیقت دانستن؛
۷. متصلب در هویت؛
۸. معیار خوب و بدش فقط یک معیار است و آن هم انقلاب است؛
۹. خود را هویت برتر دانستن.

بدین ترتیب، آن دسته از روحانیونی که شاخص‌های انقلابی‌گری را با شاخصه‌های یادشده می‌سنجند کسانی هستند که انقلابی‌گری را فقط در مرحله آغاز یا انفجار یا مرحله انقلاب قابل تحقق می‌دانند، نه در مرحله استحکام یا مرحله نظام‌سازی و دولت‌سازی؛ و نمی‌توان امروزه با آن‌ها از تداوم انقلابی‌گری سخن گفت. بنابراین با

مواردی همچون فساد اداری، رشوه‌خواری، رانت‌خواری، کم‌کاری، حیف و میل کردن بیت‌المال و بی‌اعتنایی به مردم روبه‌رو شویم، و از کنارش بی‌تفاوت گذرکنیم، انقلابی بودن را دچار بی‌معنایی کرده‌ایم. حال اگر به واکنش در قبال پدیده‌های ناهنجار و متعارض با ارزش‌های انقلاب پردازیم با مشکلات و پرداخت هزینه‌های سنگین روبه‌رو خواهیم شد، که این خود تازه ابتدای مشکل است؛ چون درگیری و اختلاف در جمهوری اسلامی ایران، چیزی است که انسجام اجتماعی و تعادل نظام سیاسی را برهم می‌زند و سکوت در برابر آن، روحیه انقلابی را به ابتذال می‌کشاند. پس روحانی انقلابی درمی‌ماند که چه کند! پیشروی و درگیری؟ یا پرچم سفید بلند

کند و به زندگی روزمره خود پردازد؟! در این باره دیدگاه دوم بر این باور است که با همه کج‌روی‌هایی که وجود دارد، باید برای تحقق دولت اسلامی تلاش کرد و این مهم اتفاق نمی‌افتد مگر با تداوم روحیه انقلابی‌گری. پس باید تلاش کنیم که عمل و رفتارمان را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم و ریزش و رویش را امری طبیعی بدانیم.

دوم: دیدگاه تاریخی یا تصرف‌کنندگان در معنای انقلاب، انقلابی و انقلابی‌گری

دیدگاه دیگری وجود دارد که مفهوم انقلاب، انقلابی

و انقلابی‌گری را ذات‌گرایانه یا جوهرگرایانه نمی‌بیند، بلکه اعتقاد دارد اگرچه این واژه‌ها دارای معنای اولیه و اصیلی‌اند، ولی می‌توان معنای آنها را توسعه داد. طرفداران این دیدگاه انقلاب یا انقلابی‌بودن و انقلابی‌گری را با ویژگی‌هایی چون برخورد منطقی، انضباط، بصیرت، بینا، معتدل و عدالت‌ورزی یعنی توهین نکردن به دیگران و مجری فضایل اخلاقی بودن همراه می‌کنند. در این دسته، افراد زیادی را می‌توان نام برد که در رأس آنان مقام معظم رهبری پرچم‌دار این توسعه‌میدانی از واژه انقلاب و انقلابی قرارگیرد. ایشان انقلابی‌گری را با شاخصه‌های زیر معنا می‌کند:

۱. پای‌بندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب؛

۲. هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن؛

۳. پای‌بندی به استقلال همه‌جانبه کشور؛

۴. حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از او (به تعبیر قرآن، جهاد کبیر)؛

۵. تقوای دینی و سیاسی.^{۱۷}
برخی از مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران، اعم از روحانیان و غیرروحانیان نیز از سنگواره‌های بودن واژه انقلاب و انقلابی عبور کرده و آن را در معانی زیر به کار برده‌اند. بیان دیدگاه‌های آنان از این جهت اهمیت

دیدگاه دیگری وجود دارد که مفهوم انقلاب، انقلابی و انقلابی‌گری را ذات‌گرایانه یا جوهرگرایانه نمی‌بیند، بلکه اعتقاد دارد اگرچه این واژه‌ها دارای معنای اولیه و اصیلی‌اند، ولی می‌توان معنای آنها را توسعه داد. طرفداران این دیدگاه انقلاب یا انقلابی‌بودن و انقلابی‌گری را با ویژگی‌هایی چون برخورد منطقی، انضباط، بصیرت، بینا، معتدل و عدالت‌ورزی یعنی توهین نکردن به دیگران و مجری فضایل اخلاقی بودن همراه می‌کنند.

دارد که متولیان نهادهای رسمی نظام سیاسی اند و یا نهادهای حوزوی را مدیریت می‌کنند. هر دو سامانه نیز در هویت‌سازی به ویژه در میان حوزویان مؤثرند. به برخی از آن دیدگاه‌ها اشاره می‌شود:

۱. رئیس قوه قضائیه، آیه‌الله صادق لاریجانی، انقلابی بودن را به پای‌بندی به ارزش‌های انقلاب، آن‌هم در شرایطی که عده‌ای در داخل و خارج از کشور تلاش دارند انقلاب را از «انقلاب» تهی کنند، دانسته است؛
۲. رئیس‌جمهور، حجة الاسلام حسن روحانی، انقلابی بودن را توجه به رفتار اسلامی و اجرای مکارم اخلاقی و هم‌چنین به رفتار در چارچوب قانون اساسی معنا کرده است؛

۳. رئیس قوه مقننه، علی لاریجانی، از این واژه به معنای رصد حوادث منطقه جهت تثبیت امنیت پایدار ایران بهره برده است؛

۴. آیه‌الله محمد یزدی، رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه، انقلابی بودن را به حراست و مرزبانی از حاکمیت اسلام و ولایت فقیه سپس ترویج و تبلیغ آن در جامعه معنا کرده است؛

۵. آیه‌الله حسینی بوشهری، انقلابی بودن را مساوی با ترویج تفکر اسلام سیاسی می‌داند؛ پس کسانی که اسلام غیرسیاسی را ترویج می‌کنند،

حوزه انقلابی و طلبه انقلابی، یعنی حوزه یا طلبه‌ای که مهم‌ترین مؤلفه‌های یک حوزه علمیه ایدئال و مطلوب را داراست و مؤلفه‌های حوزه مطلوب نیز عبارت‌اند: از علمیت و اجتهاد و تقلای علمی و تقوا و تدین و اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی. پس اگر حوزه در راستای تحقق این مؤلفه‌ها قدم برداشت و تفسیری انزواطلبانه از دین و دین‌داری ارائه نکرد و بصیر و آگاه به شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه خود و جامعه اسلامی بود، هم چنین نسبت به جامعه خودم بود، آن وقت حوزه علمیه، حوزه‌ای انقلابی خواهد بود؛

از دایره انقلابی بودن خارج هستند؛

۶. آیه‌الله اعرافی، رئیس حوزه‌های علمیه، انقلابی بودن و روحیه انقلابی داشتن را مساوی با روحیه جهادی داشتن تلقی کرده و می‌گوید: حوزه انقلابی یعنی روحیه جهادی برای نشر معارف اسلامی؛

۷. حجة الاسلام والمسلمین دکتر احمد واعظی، رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، با تقسیم‌بندی و تمایزگذاری از نقش امام خمینی در تأسیس ارزش‌ها، رویکرد انقلابی و عینیت‌بخشیدن ارزش‌ها، بنابراین انقلابی بودن خلاصه و محصور نمی‌شود به آنانی که اندیشه امام را

می‌پذیرند و نسبت مثبتی با این اندیشه برقرار می‌کنند، بلکه حوزه انقلابی و طلبه انقلابی، یعنی حوزه یا طلبه‌ای که مهم‌ترین مؤلفه‌های یک حوزه علمیه ایدئال و مطلوب را داراست و مؤلفه‌های حوزه مطلوب نیز عبارت‌اند: از علمیت و اجتهاد و تقلای علمی و تقوا و تدین و اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی. پس اگر حوزه در راستای تحقق این مؤلفه‌ها قدم برداشت و تفسیری انزواطلبانه از دین و دین‌داری ارائه نکرد و بصیر و آگاه به شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه خود و جامعه اسلامی بود، هم چنین نسبت به

جامعه خدوم بود، آن وقت حوزه علمیه، حوزه‌ای انقلابی خواهد بود؛

۸. برخی دیگر نیز گفته‌اند که انقلابی، یعنی عملیاتی کردن همه انگیزه‌هایی که مردم برای آن خوندادند، یعنی برنامه‌ریزی داشتن، عقلانیت و اولویت‌ها را همراه داشتن. عده‌ای نیز تأکید کرده‌اند که انقلابی یعنی کسی که علاوه بر این‌که به دنبال تأمین منافع خود است، اجازه نمی‌دهد منافع ملی و جمعی خدشه‌دار شود؛^{۱۸}

۹. انقلابی‌گری، یعنی پای‌بندی به اصول و مسائل ارزشی دین یا عمل به وظایف اخلاقی، قانونی، وجدانی، دینی؛^{۱۹}

انقلابی‌گری در ابتدای به معنا

برای تبیین معنای انقلابی‌گری به اشارت مقام معظم رهبری در این باره خواهیم پرداخت. ایشان با تصرف در معنای انقلاب، انقلابی بودن و انقلابی‌گری را وارد ادبیات سیاسی پس از انقلاب نمود، ایشان در مقابل جوهرگرایان که تفسیری ایستا و متحجرانه از انقلاب دارند، پویشی به انقلاب می‌دهند که در مراحل ره‌گیری و استحکام بخشی، تداوم می‌یابد. بنابراین روحانیت براساس این تفسیر می‌تواند از مشکله/دشوارة خود عبور کند. در اینجا به واژگانی از معنایی انقلاب‌گری می‌پردازیم:

۱. انقلابی‌گری، یعنی برخورد منطقی: «برای خیلی‌ها که بین انقلابی‌گری و برخورد منطقی منافات می‌بینند، عمل انقلابی همراه با تشکیلاتی منطقی و دقیق و حساب‌شده، قابل جمع نیست. ما مشاهده می‌کنیم که این‌ها می‌تواند با هم جمع شود. انقلابی‌گری به این نیست که ما آن جایی که نباید پرخاش کنیم، بی‌خودی پرخاش کنیم. انقلابی‌گری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرت‌ها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و

فریب نخوریم، در حقیقت به مشی انقلابی و اسلامی توجه کرده‌ایم.»^{۲۰}

۲. انقلابی‌گری، یعنی انضباط: «حرکت انقلابی برخلاف القائنات افراد خبیث و یک عده از قلم‌به‌مزه‌های داخلی که آن را ترویج می‌کنند و این‌طور القا می‌کنند که انقلاب یعنی آشفتگی، سردرگمی، هیچ‌به‌هیچی نبودن و سنگ روی سنگ بند نشدن نیست، بلکه انضباط انقلابی، برترین و قوی‌ترین انضباط‌هاست. بی‌نظمی که در اول انقلاب دیده می‌شود، به خاطر این است که بنای غلط و کج و پوسیده‌ایی وجود دارد که نویی گذاشت.

«حرکت انقلابی برخلاف القائنات افراد خبیث و یک عده از قلم‌به‌مزه‌های داخلی که آن را ترویج می‌کنند و این‌طور القا می‌کنند که انقلاب یعنی آشفتگی، سردرگمی، هیچ‌به‌هیچی نبودن و سنگ روی سنگ بند نشدن نیست، بلکه انضباط انقلابی، برترین و قوی‌ترین انضباط‌هاست. بی‌نظمی که در اول انقلاب دیده می‌شود، به خاطر این است که بنای غلط و کج و پوسیده‌ایی وجود دارد که نویی گذاشت.

باید آن را به هم ریخت و بنای نویی گذاشت. آن به هم ریختگی متعلق به اول انقلاب است؛ انقلاب که آن به هم ریختگی نیست؛ انقلاب یک امر مستمر است؛ انقلاب یعنی سازندگی؛ یعنی رویش و بالندگی. رویش و بالندگی بدون انضباط، بدون قانون و بدون نظم مگر ممکن است؟! بهترین کارها را کسانی کرده‌اند که با روحیه انقلابی کرده‌اند؛ هم در جنگ، هم در سازندگی و هم در علم و مسائل فرهنگی. بنابراین، انقلابی بنامید. روحیه انقلابی یعنی اسیر حدود تحمیلی نشدن؛ قانع به گیرندگی قطره چکانی نشدن؛ با امید دنبال هدف حرکت کردن، و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن. این، انقلاب و حرکت انقلابی است.^{۲۱}

●

«مبادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوان‌های انقلابی بدانند، همان‌طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است؛ این خطاست. اقتضای انقلابی‌گری، این‌ها نیست. انقلابی باید بصیر باشد؛ باید بینا باشد؛ باید پیچیدگی‌های شرایط زمانه را درک کند.»

به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است؛ این خطاست. اقتضای انقلابی‌گری، این‌ها نیست. انقلابی باید بصیر باشد؛ باید بینا باشد؛ باید پیچیدگی‌های شرایط زمانه را درک کند.^{۲۲}

۴. انقلابی‌گری، یعنی اجرای عدالت: «اگر به نام عدالت خواهی و به نام انقلابی‌گری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابی‌گری، به نام عدالت خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالف‌اند، اما می‌دانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آن‌ها را

مورد ایذا و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابی‌گری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. در کشور آرا و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه‌ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی منطبق شود، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه‌های

۳. انقلابی‌گری، یعنی بصیر، بینا و معتدل: «مبادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوان‌های انقلابی بدانند، همان‌طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات حوزه،

موظف باید تعقیب کنند و می‌کنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌ای نباشد، کسی است که نمی‌خواهد براندازی کند، نمی‌خواهد خیانت کند، نمی‌خواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقه سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمی‌توانیم امنیت را از او دریغ بداریم؛ عدالت را دریغ بداریم؛ «و لایجرمنکم شئان قوم علی الا تعدلوا». قرآن به ما دستور می‌دهد و می‌فرماید: مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. «اعدلوا»؛ حتی در مورد

مخالف هم عدالت به خرج دهید. «هو اقرب للثقوی» این عدالت، نزدیک‌تر به تقواست.»^{۲۳}

راه حل تحول معنایی در مفهوم انقلابی‌گری

۵. پرسشی که حوزویان با آن روبه‌رو خواهند شد آنکه چگونه و از چه راهی یا راه‌هایی می‌توان ایده انقلابی خود را در دوران بعد از انقلاب، یعنی در دوران استقرار جمهوری اسلامی دنبال نمایند؟ آن دسته از روحانیانی که انقلابی‌گری را توسعه مفهومی داده و هم‌چنین آن را در تمامی مراحل پنج‌گانه انقلاب سرایت می‌دهند، بر این باورند که روحیه انقلابی از راه تربیت و آموزش قابل پی‌گیری است؛ هم‌چنان که

برخی از صاحب‌نظران قدیم و جدید بر این باورند که یکی از راه‌های پایداری نظام سیاسی از طریق جامعه‌پذیری است و در این میان آموزش و تعلیم و تربیت، اهمیت فزاینده‌ای دارد. به تعبیری با تحول در نظام آموزشی می‌توان از دچار شدن به چالش‌هایی همچون چالش عدم هم‌سوئی آن با نظام سیاسی موجود پرهیز نمود. به همین مبناست ارسطو معتقد است: «آنچه بیشترین سهم را در دوام و قوام قوانین دارد، سازگاری آموزش و پرورش با نوع دولت است و این چیزی است که جهانیان از آن غافل هستند. بهترین قوانین نیز، حتی اگر توسط

تمام افراد جامعه هم معتبر و مشروع دانسته شود. در صورتی ارزش و اعتبار خواهند داشت که به وسیله آموزش و پرورش به نسل جوان آموخته شوند و آموزش و پرورش نیز با قوانین مزبور تطابق داشته باشند.»^{۲۴} هم‌چنین این نکته را از ارسطو یادآور شویم که وی برای پیش‌گیری از انقلاب، به حکومت‌مردان شش‌گونه پند و اندرز می‌دهد که یکی از آن‌ها عبارت است از این‌که روش تربیت افراد را با روح و سرشت نظام سیاسی کشور سازگار کنند؛ یعنی اگر شکل حکومت دموکراسی است، مردم باید مطابق قوانین دموکراسی پرورش یابند و اگر الیگارشسی است، مطابق

«ما نباد قناعت به این بکنیم که در عصر خودمان جمهوری اسلامی محقق شده است؛ ما برای عصرهای بعد باید حالا فکر بکنیم؛ یعنی ما همان طوری که خودمان مقاصد داریم و روی آن مقاصد این نهضت را کردیم، اعقاب ما هم همان مقاصد را دارند و آن‌ها هم احتیاج دارند به این‌که اجتماع داشته باشند، بنیث داشته باشند که بتوانند این چیزی را که شما به دست آوردید آن‌ها نگه‌داری کنند و آن قضیه تربیت و تعلیم است که تربیت و تعلیم باید طوری باشد که مسیر مسیر همین نهضت باشد و دنباله همین مسأله که درست گردید باشد.»

قوانین الیگارشی. به گفته او اگر شیوه و نهاد زندگی مردم با شکل حکومت خود هم‌آهنگ نباشد، حتی بهترین قوانین اثری در بهبود حال کشور نخواهد داشت.^{۲۵} درباره هم‌سویی نظام آموزشی با نظام سیاسی از نگاه صاحب‌نظران جدید، می‌توان به امام خمینی (ره) اشاره داشت که در این باره می‌گوید: «ما بنیاد قناعت به این بکنیم که در عصر خودمان جمهوری اسلامی محقق شده است؛ ما برای عصرهای بعد باید حالا فکر بکنیم؛ یعنی ما همان طوری که خودمان مقاصدی داریم و روی آن مقاصد این نهضت را کردیم، اعقاب ما هم همان مقاصد را دارند و آن‌ها هم احتیاج دارند به این‌که اجتماع داشته باشند، بنیاد داشته باشند که بتوانند این چیزی را که شما به دست آوردید آن‌ها نگه‌داری کنند و آن قضیه تربیت و تعلیم است که تربیت و تعلیم باید طوری باشد که مسیرش مسیر همین نهضت باشد و دنباله همین مسائلی که درست کردید باشد.»^{۲۶}

۶. انقلاب‌گری، یعنی آموزش به هنگام با طرح: این‌که آیا آموزش حوزوی، همان آموزشی مسیر نهضت اسلامی و یا آیا آموزش حوزه‌های علمیه، همان آموزش انقلابی و تداوم راه انقلابیون می‌باشد؟ لازم است برای یافتن پاسخ محورهایی همچون:

الف) آموزش حوزوی چیست و موضوعش چه می‌باشد؟
ب) مدرسان حوزوی چه مختصاتی باید داشته

باشند؟

ج) طلبه‌ها و آموزش‌گیران حوزوی چه ویژگی‌هایی بایستی داشته باشند؟

د) روش‌های آموزش چه می‌باشند؟

ه) هدف از آموزش طلاب چیست؟ مورد بررسی و کنکاش قرار گیرند؛ اما به خاطر طولانی نشدن این نوشتار، از میان محورهای یاد شده فقط محور اهداف آموزش حوزه علمیه را بررسی خواهیم کرد تا به واسطه آن، جایگاه و موقعیت رویکرد انقلابی‌گری در مواجهه با روند تغییر و تحول شفاف‌تر گردد.

اهداف آموزش حوزه‌های علمیه، چه در دوران پهلوی یا دوران شکل‌گیری انقلاب و انقلابی‌گری انقلابیون و چه در زمان استقرار جمهوری اسلامی، در برخی موارد مشترک است؛ البته بعد از انقلاب اسلامی مواردی نیز به آن افزوده شده است که نشانگر تمایز مقاطع مختلف باشد. برخی از اهداف علمی و آموزشی که انقلابیون حوزه‌های

علمیه در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی یا دوران پهلوی آن را دنبال می‌کردند، عبارت بود از:

۱. حوزه باید مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات، انحرافات و کج‌روی‌هایی مانند تفکر اهل جمود، مقدس‌نماها، روحانیون وابسته و تحجرگراها باشد؛

۲. حوزه علمیه و حوزویان باید تمام هم و غمشان، آن‌هم بدون دخل و تصرف، ترویج مسائل حلال و حرام

اهداف آموزش حوزه‌های علمیه، چه در دوران پهلوی یا دوران شکل‌گیری انقلاب و انقلابی‌گری انقلابیون و چه در زمان استقرار جمهوری اسلامی، در برخی موارد مشترک است؛ البته بعد از انقلاب اسلامی مواردی نیز به آن افزوده شده است که نشانگر تمایز مقاطع مختلف باشد.

الهی باشد؛

۳. مجاهدت علمی با وجود دشواری‌های فراوان و امکانات اندک، باید دنبال شود. اما بعد از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر اهداف پیشین، اهداف دیگری را همچون:

الف) حوزویان باید مطلع و مسلط بر علوم روز باشند؛ بنابراین باید در تبویب و تنقیح علوم قرآنی و سنت و سیره معصومان (عهم) دقت لازم را داشته باشند تا از دانش‌ها و علوم غیررایج در حوزه‌ها فاصله نگیرند؛

ب) مراقبت از سرایت لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان؛

ج) توجه به حکومت، به عنوان فلسفه عملی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت؛

د) پیاده‌کردن اصول محکم فقه در عمل فرد و جامعه و پاسخ‌گویی به معضلات جامعه، انقلابیون دنبال می‌کردند تا انقلابیون بتوانند به آرمان‌هایشان دست یابند. برای این‌که مشخص شود تا چه اندازه اهداف پیش‌گفته، برای رویکرد انقلابی در حوزه‌های علمیه تحقق یافته است، بهتر این‌که با تشریح موانع به پاسخ نزدیک شویم.

تشریح موانع

اگر حاصل رسالت و مسئولیت حوزه‌های علمیه بر مبنای رهنمودها و دیدگاه‌های امام خمینی، مراجع تقلید و اسناد بالادستی‌ای همچون سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، مصوب ۱۳۹۵ را در پرتو تبیین و تفسیر، تعلیم و تربیت، تبلیغ، دعوت و دفاع از دین، اقامه دین در ابعاد فردی و اجتماعی، آن‌هم بر پایه فقه اهل بیت بدانیم، آن وقت این سؤال مطرح می‌گردد که حوزه‌های علمیه مستقر در جمهوری اسلامی ایران جهت تحقق اهداف رویکرد انقلابی با چه موانعی در سطح آموزشی، اجتماعی و سیاسی مواجه می‌باشد؟ پاسخ این است که رویکرد انقلابی در حوزه‌های علمیه با موانع

- سنگین زیر مواجه بوده است؛ موانعی هم‌چون:
۱. بازبودن تفکر روحانیون و ایستاده، مقدس‌نما و تاجرگرا؛ تفکری که تنها تغییر شیوه داده تا منجر به سرایت تفکر آنان به طلاب جوان گردد؛
 ۲. حرکت استعماری در القای شعار جدایی دین از سیاست؛
 ۳. غرق شدن حوزه‌های علمیه در احکام فردی و عبادی و غفلت از احکام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اسلام؛
 ۴. پذیرفتن ایده عدم دخالت روحانیون در

سیاست؛

۵. تقدس‌نمایی و فضیلت‌شمردن ظواهر و

مظاهر گوشه‌نشینی و انزواى اجتماعى؛

۶. اختلاف میان روحانیان متعهد و اصیل در قالب جناح‌بندی‌های سیاسى؛

۷. فراموش‌کردن و غفلت از اهداف کلی و بلندمدت انقلاب و محصورشدن در امکانات موجود؛

۸. غفلت از نیازها و تحولات آینده.^{۲۷}

از میان موارد هشت‌گانه یاد شده فقط به یک مورد، یعنی «فراموش‌کردن و غفلت از اهداف کلی

و بلندمدت انقلاب و محصورشدن در امکانات موجود» آن‌هم بسیار اجمالی اشاره می‌کنیم:

چشم‌اندازی که حوزه علمیه قم برای افق ۱۴۰۴ تدوین کرده است، این‌که حوزه علمیه نهادی

خواهد بود متعالی، مرجع نهادهای همسو، مؤثرترین اسوه برای مخاطبان، فراگیر در سطح

ملی، پاسخ‌گو و نقش‌آفرین در سطح بین‌الملل و پیشرو در ارائه جامع، متقن و فاخر دین و

مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام). این نهاد برای تحقق این چشم‌انداز، سیاست‌های کلان حوزه را در ۱۷ بند و

اهداف کلان را در ۹ بند و با تشریح و تفصیل هریک از آن‌ها در سال ۱۳۹۵ تدوین کرده است که نکات

بسیار جالب و مفیدی را در آن نگاشته و یادآور شده‌اند؛ مثلاً یکی از اهداف کلانی که آمده، این

است: حضور فعال و مؤثر و برجسته در عرصه‌های فرهنگی و تمدنی در سطح بین‌الملل با اقدامات

راهبردی‌ای همچون شناسایی و منطقه‌بندی تبلیغی جوامع با در نظر گرفتن ویژگی‌های

مناطق، در سطح فراملی.^{۲۸} اگرچه سندی را که حوزه علمیه قم با عنوان سند چشم‌انداز

حوزه‌های علمیه با امضای مرتضی مقتدایی، دبیر شورای عالی حوزه علمیه قم^{۲۹} مصوب و منتشر کرد، ولی بحث این است که این سند

چه اندازه عملیاتی شده است و حوزه علمیه

خود را محصور در امکانات موجود نکرده‌اند، بحثی است جدی که لازم است با آمار و ارقام و

با تحقیقات کمی و کیفی به آن‌ها پرداخته شود؛ ولی به اجمال و با مشاهده وضعیت موجود،

می‌توان گفت که حوزه علمیه اهداف اساسی و کلان خود را به کناری نهاده و به موارد بسیار

جزئی پرداخته است؛ آن‌هم با این توجیه که بیشتر از این امکانات نداریم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. Krejci Jaroslav.

۲. Onset.

۳. مایکل، راش، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، ص ۲۳۰-۲۳۱، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۷۷.

۴. stage compression.

۵. Explosion.

۶. Interception.

۷. Tightening.

۸. پالمر، فرانک، ا.، نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ترجمه کورش صفوی، ص ۱۸-۱۹، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۷.

۹. meaning literal.

۱۰. Revolution.

۱۱. علی‌بابایی، غلام‌رضا، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۲، ص ۳۴-۳۷، نشر ویس، تهران، ۱۳۶۹.

۱۲. meaning emotional.

۱۳. بشریه، حسین، انقلاب و بسیج سیاسی، ص ۲۴، موسسه انتظارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴.

۱۴. برای اطلاع بیشتر در باب نقش عاطفی زبان رک: ۳. پالمر، فرانک، ا.، ص ۶۹-۷۰.

۱۵. meaning contextual.

۱۶. Revolution.

۱۷. بیانات رهبری در ۱۴/۳/۱۳۹۵، «شاخص‌های انقلابی‌گری»، فصل‌نامه فرهنگی بصیرتی تبلیغی پیام، ش ۱۲۰، تابستان ۱۳۹۵.

۱۸. روزنامه دنیای اقتصاد، «مفهوم انقلابی‌گری در کلام امام (ره) و رهبری»، ش ۴۲۶۲، ۲۱/۳/۱۳۹۵ (www.donya-com).
۱۹. سایت خبرگزاری مهر، برنامه گفت‌وگوی سیاسی رادیو

- گفت‌وگو، با موضوع «انقلابی‌گری و جهت‌گیری‌های راهبردی برای همبستگی و هم‌افزایی ملی» با حضور حجة‌الاسلام سید محمود نبوی، نماینده ولی فقیه در دانشگاه، ۱۳۹۵/۱۲/۱۵ (news/com.mehrnews.www).
۲۰. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارکنان وزارت خارجه، مرداد ۶۸.
۲۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مسئولان جهاد دانشگاهی، تیر ۸۳.
۲۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم، سال ۸۹.
۲۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در بیست و دومین سال‌گرد ارتحال امام خمینی، خرداد ۹۰ (به نقل از: سایت امروز فردا را می‌سازیم، «مروری بر ضرورت و شاخصه‌های انقلابی‌بودن، انقلابی‌شدن و انقلابی‌ماندن / بایدها و نبایدهای انقلابی‌گری در دهه چهارم انقلاب»، ۱۳۹۶/۱۱/۱۸ (news/fa/com.fardanews.www)).
۲۴. جی اسمت، فیلیپ، فلسفه آموزش و پرورش، مترجم سعید بهشتی، ص ۵۹، شرکت به نشر (آستان قدس)، ۱۳۷۰.
۲۵. علی بابایی، همان ج ۲، ص ۴۴.
۲۶. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۶۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸.
۲۷. برداشت از: امام خمینی، منشور روحانیت.
۲۸. رک: مصوبه شورای عالی حوزه‌های علمیه، مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۱.
۲۹. با این مختصات: تاریخ جلسه ۱۳۹۴/۱۰/۲۵، شماره مصوب ۱۰۰۱، شماره جلسه ۱۷۹، دوره ششم و تاریخ ثبت ۱۳۹۵/۱/۲۱.